

۳۳. تسلیم انسان

ان الدین عند الله الاسلام (سوره آل عمران آیه ۱۹) دین نزد خدا تنها اسلام است.

در واقع تسلیم شدن به خدائی که عارف کل و قادر مطلق است پایه و اساس زندگی میباشد. بدون اعتراف بر این که خداوند حقیقتاً فرمانروای آسمانها و زمین است تسلیم به او محال است. هیچ وقتی یا جائی نیست که در آن بتوانیم بگوئیم «در این لحظه و در این جا و تحت این شرایط مواظب خودم می باشم و به خداوند احتیاجی ندارم» بر عکس در تمام مراحل زندگی سرپرستی و رهبری پروردگار حتمی است. هر دقیقه او مواظب ماست. جان و بدن را مرتباً حفظ می دارد و اگر بنا بود برای ثانیه ای عهده دار جان خودمان شویم می مردیم. همواره وابسته و جیره خوار او میباشیم.

در این اواخر بسیاری تصور می کنند که تحت برخی شرایط در بعضی جایها و بعضی اوقات تخلف از اوامر خدا یعنی دروغ و دزدی مجاز است. این عقیده اهریمنی میلیونها نفر را از صراط مستقیم منحرف ساخته براه دوزخ انداخته است. دیگران تصور می کنند اگر نیتشان خیر خواهانه باشد و برای رسیدن بدان هدف اگر راه نامشروعی از قبیل دزدی و دروغ و غیره را اختیار نمایند حق با آنان است. نافرمانی از خداوند عدم اعتماد به معرفت خداست.

نویسنده ای گفته است «قدرت من مانند قدرت ده نفر است زیرا که قلب من پاک است.» کسی که خود را در این قاعده قرار دهد زندگی با نشاطی خواهد داشت. هر گاه دل شخص از گناه سنگین باشد وجدان راحت نمی تواند داشته باشد. دل پاک و وجدان راحت نور چشم و قدم استوار را به شخص می بخشد. صداقت و راستگوئی و پاک دامنی، شخص را سربلند و شجاع و بی ترس میگرداند چون از هیچ کس باک ندارد جز خداوند و بس.

تسلیم کامل باراده خداوند و برکات وجدان پاک و خلوص نیت و شهامت الهی فقط در شناخت میل خدا حاصل میگردد. معیار و مقررات دنیا مرتباً عوض معتبر و تغییر ناپذیر باقی می ماند. در

هیچ مکانی و تحت هیچ شرائطی برای آنان نباید تغییراتی قائل شد. برای درک این موضوع و برای اخذ دید کلی خود را به سیاره ای دور برسانیم و اوضاع دنیا را از آنجا ملاحظه کنیم فقط از چنین موضع مساعدی می توانیم نقشی که خود بازی نموده ایم بی طرفانه بسنجیم. از آن مکان دوردست دنیا جای زیبایی بنظر میرسد، تنها تا زمانی که افراد بشر غوطه ور و درگیر جنگها بشوند. اگر در اوضاع کره ، ویتنام، کامبوج، افریقا، خاور میانه، خلیج فارس، ایرلند و هند و پاکستان کمی دقت کنیم ملاحظه میکنیم که در هر کشوری بنوعی دیگر قبائل و خانواده ها و افراد، یعنی برادر با برادر و خویش با خویشاوندان خود در نزاع هستند. شگفت انگیز اینجاست که همه از یک خون بوجود آمده اند و با وجود این از یکدیگر نفرت دارند و بیک دیگر ناسزا میگویند و بجان هم افتاده هموعان خود را می کشند.

وقتی که بیماری وبای عالمگیر شروع می شود تمام کشورها در جلوگیری و رفع آن همکاری می کنند. پس علت چیست که در رفع ریشه عداوت که به جنگ و خونریزی منتج می شود نمی توانند همان همکاری را از خود نشان دهند؟ بالاخره باید گفت که جنگهای بین المللی فقط ادامه توسعه عداوت و خودخواهی افراد بشر میباشد. اگر چه طلب صلح یک آرزوی جهانیست مع الوصف دنیا گوئی گریبانگیر جنگ دائمی شده است.

در سال ۱۹۴۸ هنگامی که دنیا زیر ابر هولناک اتمی میلرزید البرت آاینشتاین گفت «اشکال بشر در قلب و افکار اوست. این یک مسأله جسمی نیست بلکه مسأله اخلاقی است. قوه انفجار بمب اتم وحشتناک نیست بلکه شرارت قلب انسان یعنی قوه انفجار آن عضله شریب وحشتناک است.»

چون مقررات مختلفی در دنیا موجود است بعید نیست که خداوند نوع بشر را به پیروی یک قانون اخلاقی که حاکی از اراده مقدس وی می باشد فرمان دهد. ولی آن فرمان و دستور در کجا پیدا میشود تا شامل هر امت و قوم و قبیله و زبان باشد؟ این موضوع را در برنامه قبلی بیان کردیم. دوباره اشاره مختصری به احکام دهگانه می کنیم. بسیار بجاست که سؤال کنیم آیا این احکام امروز هم قابل اجرا

صدف در کنارش پرورید

کاش مردم برعایت فرامین خالق راضی میشدند تا بفرایض ابدی وی همکاری نمایند! در برنامه بعدی آنها را دوباره تکرار کرده دستور خدا را آشکار خواهیم کرد.